

## نگاهی به تاریخ روابط لهستان و ایران

رضا نیک‌پور خشک‌رودی

قدیمی‌ترین سند مربوط به روابط ایران و لهستان نامه‌ای است که در سال ۱۴۷۴ م از طرف اوزون حسن پادشاه ایران برای کازیمیر یاگلون پادشاه لهستان فرستاده شد که اکنون در آرشیو ملی لهستان نگهداری می‌شود. حامل این نامه کتاریتی از اهالی ونیز بود که مدتی در ایران اقامت داشت و زبان فارسی را به خوبی آموخته بود. غالب ایران‌شناسان لهستانی پس از این تاریخ زبان فارسی را در اسلامبول فراگرفتند.<sup>۱</sup>

در سال‌های بعد حاکمان دو کشور توسط نمایندگان سیاسی خود دائماً با هم در ارتباط بودند.<sup>۲</sup> منابعی وجود دارد که گواه رایزنی‌های بین استیفن باتونی پادشاه لهستان و سلطان محمد خدابنده پادشاه ایران است.<sup>۳</sup>

در دوران سلطنت شاه عباس اول در ایران و سیگیسموند سوم در لهستان نیز مکاتباتی از طریق اعزام سفرا بین دو کشور انجام گرفته است. شاه عباس صفوی (سلطنت ۹۹۶ ق - مرگ ۱۰۳۸ ق) وقتی درباره جنگ‌ها و درگیری‌های پادشاه لهستان با عثمانی‌ها مطالبی شنید، برای نخستین بار با اعزام آنتونی شرلی و حسین علی بیک بیات به اروپا، درصدد افتتاح باب مکاتبه و مراوده با کشور لهستان برآمد، اما سفرای اعزامی موفق به مسافرت به لهستان نشدند. دومین اقدام به منظور برقراری روابط میان دو کشور، از سوی سیگیسموند سوم صورت گرفت و وی در سال ۱۰۱۱ ق/۱۶۰۳ م سفیری از ارامنه‌ی لهستان به نام سفر موراتوویتز را به دربار شاه عباس کبیر فرستاد. وی به دنبال اهداف بازرگانی - به خصوص تجارت ابریشم

بررسی‌های نوین تاریخی / شماره چهارم و پنجم / ۱۴۷

- و کسب امتیاز برای تجار لهستانی در شهرهای مختلف ایران بود.

در نامه‌ای که در سال ۱۶۰۳ م پادشاه لهستان توسط کشیشان اعزامی از سوی پاپ کلمنت هشتم برای پادشاه صفوی فرستاده بود، از شاه عباس به عنوان پادشاه فارس یاد شده است.<sup>۴</sup> در فاصله سال‌های ۱۶۴۴-۱۶۴۱ م، یک نفر ایرانی به نام میرزا موسی بیک به عنوان پیک سیاسی میان ورشو و اصفهان در رفت و آمد بود و نامه‌ها و پیام‌های دو پادشاه را مبادله می‌کرد.<sup>۵</sup> ژان سوبیسکی، پادشاه معروف لهستان (۱۶۹۶-۱۶۷۳ م)، یازده هیئت دیپلماتیک از لهستان به ایران اعزام کرد و شاه سلیمان به دلیل پیروزی‌هایی که لهستان در اروپا به دست آورد، پیام شادباش برای ملت لهستان فرستاد. در زمانی که سفر از کراکوو تا اصفهان، یک سال طول می‌کشید، در طول یک قرن، سی مسیون و هیئت به وسیله طرفین رد و بدل شد.<sup>۶</sup>

در میان کشورهای اروپایی، لهستان از نظر تاریخی نخستین مملکتی بود که در آن «ایران شناسی» به مفهوم واقعی آغاز شد و تتبعات و تحقیقات مربوط به فرهنگ و ادب ایران در این کشور در آغاز قرن هفدهم میلادی شروع شده بود.<sup>۷</sup> اما پیش از آن نیز در آثار لهستانی مربوط به قرن سیزده میلادی به نام پرسیا (ایران) برمی‌خوریم.<sup>۸</sup>

ونسان کالدوبک مورخ معروف سلسله‌ی پیاست در کتاب تاریخ خود در شرح زندگی و تاریخ رومی‌ها و یونانیان، شرحی از احوال کورش و داریوش و خشایارشا به اختصار آورده که اگرچه چندان قابل اهمیت نیست، اما اولین بار است که در ادبیات لهستانی از ایران سخن گفته می‌شود.<sup>۹</sup> نیز تحقیقات باستان‌شناسی در لهستان و یافتن سکه‌ی درهم دوره سامانیان (۳۸۹ - ۲۶۱ ق) در این کشور، گویای مناسبات تجاری لهستان با ایران است. در دوره‌ی سامانیان، بازرگانانی که از لهستان و اروپای

شرقی به ایران می‌آمدند، بیش تر خز، عسل، موم و عنبر می‌بردند. تجلی ادامه توجه لهستانی‌ها به صنایع دستی و تولیدات ایرانی را می‌توان در سفر بازرگان معروف ارمنی - لهستانی، سفر موراتوویتز دید (به عبارتی پادشاهان لهستان به وسیله‌ی تجار ارمنی با ایران روابط تجاری داشته‌اند). وی در سال ۱۶۰۱ م از طرف پادشاه لهستان برای خرید فرش‌های زیبای ایرانی به دربار صفوی فرستاده شد تا جزء جهیزیه دختر پادشاه لهستان شود که این فرش‌ها هم‌اکنون در موزه‌ی مونیخ نگهداری می‌شود.<sup>۱۰</sup>

به طوری که در سوابق تاریخی دو کشور دیده می‌شود، یاگلونی پادشاه لهستان دانشگاه یاگلونی را بنا نهاد و از بدو گشایش آثار دانشمندان ایرانی به خصوص ابوعلی سینا را برای تدریس مورد توجه قرار داد و از همان زمان دانش، هنر و رسوم ایرانیان در لهستان طرف‌داران بسیار یافت. گلستان سعدی در آغاز قرن هفدهم میلادی به وسیله‌ی نویسنده و دانشمند لهستانی اوتوینوسکی به زبان لهستانی ترجمه شد و این اولین ترجمه از یک اثر فارسی به یک زبان اروپایی بود و بدین طریق ادبیات فارسی به اروپا وارد شد. غزل‌های حافظ هم از طریق لهستان به دیگر کشورهای اروپایی راه یافت.<sup>۱۱</sup> نسخه‌ای مربوط به سال ۱۴۹۴ م به نام منطق‌الطیر شاعر ایرانی (شیخ عطار) هم اکنون در موزه‌ی کراکوو نگهداری می‌شود.<sup>۱۲</sup> در سفرنامه‌ی کارستن نیبور (۱۷۶۵ م) صراحتاً به شباهت لباس‌های مردهای ایرانی و لهستانی اشاره شده است.<sup>۱۳</sup> اصولاً در این زمان مالکیت بعضی اشیا که از شرق صادر می‌شد نوعی مد به شمار می‌رفت و این اشیا ذوق سابق لهستانی‌ها را در مورد مالکیت امتعه‌ی هنری تغییر دادند. نکته‌ی مهم این که تقاضای صدور امتعه‌ی شرقی به خصوص ایرانی در قرن هفدهم میلادی به قدری زیاد بود که لهستانی‌ها مجبور

شدند از روی کارگاه‌های آنان تقلید کرده و محصولاتش شبیه آنان تولید کنند. به این ترتیب تأثیری از لغات فارسی را هم در این بین می‌توان دید مانند کلمه‌ی بولات که به معنی خنجر است و بدون شک از کلمه‌ی فولاد فارسی گرفته شده است.<sup>۱۴</sup> رهاورد سفرهای بازرگانی، گسترش صنعت بافندگی در لهستان بود. به همین دلیل این صنعت در لهستان پرس جینی نامیده می‌شود.<sup>۱۵</sup> متقابلاً نوشته‌های مذهبی که با مینیاتورهای زیبایی آراسته شده بود و از طرف پادشاه لهستان، زیگموند سوم به شاه عباس بزرگ تقدیم شده بود، تأثیر شگرفی بر روی آثار هنری ایرانی در این دوره به جا گذاشت و ایرانیان را تحریض کرد که از این مینیاتورها تقلید کنند و هنر خلاقه خویش را در مورد مینیاتور و به طور کلی نقاشی از این تأثیر بارور سازند.<sup>۱۶</sup> مهم‌ترین دوران مهاجرت مسلمانان به مناطقی از لهستان به قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی برمی‌گردد. آنان اکثراً سنی مذهب و حنفی بودند، اما برخی تأثیرات شیعی مثل برگزاری مراسم عاشورا در میان آنان دیده می‌شد که بازمانده ارتباط با طریقه‌ی بکتاشی بود.<sup>۱۷</sup> در این دوره شاهد حضور مسیونرهای فعال عیسوی لهستانی هستیم. مشهورترین این افراد - در زمان حکومت شاه سلطان حسین - کروسینسکی است. وی تخصص زیادی در مسائل ایران داشت و از جمله شاهدان عینی سقوط صفویه است. او علاوه بر فعالیت مذهبی، مترجم دربار شاه سلطان حسین نیز بوده و در سال ۱۷۲۰ م از سوی پادشاه ایران به مقام وکیل کلی دربار منصوب شد. وی در مراسم تاج‌گذاری محمود افغان نیز حضور داشت و خاطرات غم‌انگیزش را در کتاب *خاطرات سقوط اصفهان* نوشته است.<sup>۱۸</sup> از وی دو اثر دیگر به زبان لاتین در مورد ایران وجود دارد.<sup>۱۹</sup> در آثار مؤلف همه جا محبت او به ایران مشاهده می‌شود.<sup>۲۰</sup> کروسینسکی در سال ۱۷۲۵ م ایران را ترک کرد و راهی ایتالیا شد. جنگ

خانمان‌سوزی که در دهه‌ی دوم سده‌ی هجده بر اثر هجوم افغانه رخ داد نه تنها باعث انقراض سلسله‌ی صفوی شد، بل که به فعالیت میسونرهای مذهبی لهستانی در ایران نیز پایان داد. کوشش دیپلماتیک ایران و لهستان برای اتحاد در برابر عثمانی هرگز جنبه‌ی عملی به خود نگرفت. همزمان، لهستان نیز تجزیه شد و رفت و آمدها به پایان رسید. اما نفوذ هنر، صنعت و فرهنگ ایران در لهستان همچنان در تماس بین ملت‌های دو کشور بر جای ماند.<sup>۲۱</sup>

انتشار فرهنگ بزرگ لهستانی، فارسی، لاتینی، آلمانی، فرانسه توسط محقق و ادیب لهستانی فرانچیشک مینسکی بین سال‌های ۱۶۸۰ تا ۱۶۸۷ م از تحولات مهم قرن هفدهم میلادی در زمینه‌ی شناخت زبان فارسی محسوب می‌شود.<sup>۲۲</sup> از ابتدای دوره‌ی قاجار لهستانیان مجدداً در ایران حضور یافتند.

فتح‌علی‌شاه در سال ۱۲۴۸ ق/ ۱۸۳۲ م برای اثبات ادعای مالکیت خود بر اراضی هرات، عباس میرزا را مأمور اعزام قشون به این شهر کرد. او نیز به نوبه خود پسرش محمد میرزا را به همراه قشونی به این شهر فرستاد. در عزیمت این سپاه، حضور ژنرال باروفسکی - افسر لهستانی الاصل قشون ایران - بارز است. آن طوری که ذکر شده وی نفوذ زیادی بر روی عباس میرزا داشت.<sup>۲۳</sup> او معتقد بود برای به دست آوردن استقلال لهستان باید با ایران همکاری کرد و بدین دلیل خود و بسیاری از لهستانی‌ها را وارد ارتش ایران کرد.<sup>۲۴</sup> وی طرف مشورت شاه و صدر اعظم ایران بود و آنان را در اداره امور راه‌نمایی می‌کرد.<sup>۲۵</sup> مرگ وی در جنگ هرات در سال ۱۸۳۸ م صورت گرفت و در جلفای اصفهان نزدیک کلیسای ارمنی کاتولیک دفن شد. خوجکو الکساندر بوریکا (۱۸۹۱-۱۸۰۴ م)، شاعر، سیاستمدار، و شرق‌شناسی لهستانی در دوره‌ی قاجار به دریافت نشان دوم شیر و خورشید نائل شد (۱۲۶۸ ق/

۱۸۵۲ م) و لقب میرزا را دریافت کرد. کتاب *دستور زبان فارسی، تئاتر ایرانی* (تعزیه)، *رهاوردهای مأموریت سیاسی و نمونه‌هایی از شعر مردمی ایران*<sup>۲۶</sup>، از جمله آثار اوست.

در سندی که از عهد ناصری در دست است، در میان اسامی کسانی که فرمان پرداخت وجه به آنان صادر شده نام پروسکی لهستانی نیز دیده می‌شود.<sup>۲۷</sup> نیز بر طبق منابع لهستانی، چشم پزشک ناصرالدین شاه راتولد یا راطوله‌ی کحال فردی لهستانی بوده که در کتاب *خاطرات اعتماد السلطنه* بارها نام وی ذکر شده است، ولی در ایران سندی از ملیت وی در دست نیست و فقط او را فرنگی می‌دانند.<sup>۲۸</sup> همچنین استقبال قابل توجهی که در سفر مظفرالدین شاه به اروپا و بازدید او از ورشو توسط مقامات لهستانی از وی صورت گرفت، چنان بوده که وی در دستخطی به سالار اکرم آن را منعکس کرده است (۱۳۱۸ ق).<sup>۲۹</sup>

علاقه‌ی حضور لهستانی‌ها در ایران و ادامه ارتباط فرهنگی با ایرانیان در اسناد متعدد این دوران ثبت است، مانند تقاضای طبابت آقای اسکوتیسکی از اداره معارف در ایران (۱۳۰۸ ش)<sup>۳۰</sup> و یا درخواست لهستانی‌ها از سفارت ایران در ورشو برای همکاری ایران جهت افتتاح کلاس تدریس زبان فارسی (۱۳۱۱ ش)<sup>۳۱</sup> و درخواست ارسال کتب ادبی ایران به لهستان (۱۳۱۴ ش).<sup>۳۲</sup> در این سال روزنامه‌نگار لهستانی ژوزف راجینسکی برای مطالعه‌ی اوضاع ایران راهی این کشور شد (۱۳۱۴ ش)<sup>۳۳</sup> و در سال ۱۳۱۷ ش صادرکنندگان لهستان برای تبادل کالا با ایران اعلام آمادگی می‌کنند.<sup>۳۴</sup>

همچنین دندان‌پزشک شخصی رضاشاه، دکتری لهستانی به نام میلیچارسکی بوده که از وی به عنوان بنیان‌گذار دندان‌پزشکی نوین ایران یاد می‌شود.<sup>۳۵</sup> هم‌اکنون نیز

سالخوردگان شهر قزوین حضور دکتر فیلیپ پویچ (معروف به فرشر) را به خاطر دارند، دکتر لهستانی الاصل و همسر روسش که هنگام انقلاب کبیر در ۱۹۱۷ م به ایران مهاجرت کرده و به طبابت در شهر قزوین مشغول شد. او در مدتی کوتاه چنان محبوبیتی در بین اهالی کسب کرد که مردم برای مداوا نزد او ساعت‌ها در صف‌های طولانی می‌ایستادند. پسر وی نیز که پزشک بود در ساخت بیمارستان هزار تختخوابی در تهران کمک‌های زیادی کرد.<sup>۳۶</sup> آقای خسرو سینایی در فیلمی که در مورد مهاجرین لهستانی به نام مرثیه گمشده ساخته است، به واسطه‌ی آشنایی خانم میترا افخمی (که مادرش از مهاجرین جنگ بود) با دکتر فیلیپ پویچ، توانست خاطرات دکتر را ثبت کند.<sup>۳۷</sup>

اگرچه به علت جنگ‌ها، در کوتاه مدت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور قطع می‌شده، اما مجدداً این ارتباطات برقرار می‌شد.<sup>۳۸</sup> سفارت ایران در ورشو در آذرماه ۱۲۹۹ ش (۱۹۲۰ م) به وسیله‌ی اسدخان اسد بهادر تأسیس شد و نام‌برده تا اسفند ۱۳۰۰ کاردار و سپس تا مهر ۱۳۰۵ وزیر مختار بود.<sup>۳۹</sup> و متعاقب آن در سال ۱۹۲۵ م سفارت لهستان در تهران فعال گشت. در سال ۱۹۲۷ م قرارداد رسمی تجاری بین دو کشور منعقد شد و مهندسین لهستانی در ایران به توسعه‌ی صنعت شیشه‌گری، چرم و نساجی پرداختند.<sup>۴۰</sup>

در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال لهستان عده‌ی زیادی از اتباع لهستانی به ایران پناه آوردند و با برخورد انسانی و مهمان‌نوازانه‌ی ایرانیان مواجه شدند که تا امروز یاد و خاطره‌ی آن روزها حتی در اذهان نسل جدید لهستان هم باقی است. عده‌ای از این لهستانی‌ها در ایران ماندند و با ازدواج با ایرانیان تشکیل خانواده دادند. قبرستان‌های لهستانیان در نقاط مختلف ایران سندی منحصر به فرد از این

حضور است.<sup>۴۱</sup>

تا امروز شرکت‌های لهستانی درصدد تأسیس نمایندگی در ایران هستند. نیمی از ۲۵ کارخانه تولید قند و شکر در ایران توسط متخصصین لهستانی ساخته شد، مانند کارخانه قند فریمان که در ۱۹۶۰ م به بهره‌برداری رسید، و نیز بسیاری از ماشین‌آلات نساجی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، لهستانی است. همچنین نیروگاه قزوین، اهواز، کرمان و کارخانه فولاد اصفهان شاهد حضور متخصصین لهستانی است. لهستانی‌ها در تأسیسات شیمیایی ایران تلاش کردند و از سال‌ها قبل خلبانان لهستانی سمپاشی هوایی محصولات کشاورزی ایران را عهده‌دار بودند.<sup>۴۲</sup>

فعالیت‌های فرهنگی لهستانی‌ها در مورد ایران تا قبل از جنگ جهانی دوم به شرح ذیل است:

۱۸۲۰ م) چاپ مجموعه نقاشی‌های اورلوسکی در لهستان به نام لباس‌های ایرانی رایج قرن نوزده؛ ۱۸۳۰ م) انتشار قطعه منظوم دوم اورمزد و اهریمن از شاعر معروف لهستانی آدام میتسکیه ویچ؛ ۱۸۴۷ م) ترجمه‌ی یکی از کتیبه‌های تخت جمشید به زبان لهستانی توسط لادیسلاس خوچکیویچ؛ ۱۸۵۵ م) ترجمه‌ی شاه‌نامه فردوسی به زبان لهستانی توسط شیبه مینسکی؛ ۱۸۶۵ م) ترجمه‌ی اوستا به زبان لهستانی همراه با تحقیقی در مورد گات‌های زرتشت توسط کوسسیویچ؛ ۱۸۸۶ م) ترجمه‌ی دیوان منوچهری به زبان لهستانی توسط کازیمیرسکی؛ ۱۸۹۰ م) انتشار کتاب تاریخ ادبیات ایران به زبان لهستانی توسط شویه‌چیتسکی؛ ۱۸۹۰ م) چاپ دیوان شرقی و ترجمه رباعیات خیام توسط لانگه؛ ۱۸۹۰ م) انتشار ترجمه‌هایی از آثار ادبیات ایران توسط کویاتکوسکی.

همچنین در سال ۱۹۲۲ م انجمن خاورشناسی لهستان که دارای شعبه خاص



تتبعات و مطالعات ایرانی بوده و مرکز آن در ورشو است، تأسیس شد. پیش از آن انجمن زبان‌شناسی لهستان (تأسیس ۱۸۹۲ م) در مورد زبان‌های قدیم و جدید ایران شعب مخصوصی داشت. از کهن‌سال‌ترین مراکز تعلیم زبان فارسی در اروپا، دانشگاه یاگلون در کراکوو است که در سال ۱۳۶۴ م تأسیس شد. دانشگاه ورشو، تأسیس ۱۸۱۶ م نیز دارای دوره‌ی مخصوص آموزش زبان و ادبیات فارسی است.

نسخ خطی به زبان فارسی مانند مکاتبات شاه عباس و سایر کتب مهم خطی در دانشگاه‌های مختلف لهستان مثل ورشو، برسلاو و کراکوو نگهداری می‌شود. به علاوه مجموعه‌ای غنی از قالی‌ها، ظروف، مسکوکات و ... زینت‌بخش مراکز علمی و فرهنگی لهستان است.<sup>۴۳</sup> اما در مقابل، ایرانیان در شناخت شعر و ادبیات و فرهنگ لهستان چندان فعال نبودند، موارد معدودی چون ترجمه‌ای از اشعار میتسکیه ویچ به زبان فارسی به قلم میرزا توپچی باشی (۱۸۲۶ م) و ترجمه‌ی دو دفتر از اشعار شیمبورسکا برنده نوبل ادبیات ۱۹۹۶ م<sup>۴۴</sup> از جمله فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان است. روند ایران‌شناسی پس از جنگ دوم مجدداً در لهستان از سر گرفته شد و از آن دست می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

بین سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ م، انتشار سه جلد کتاب به نام مطالعات ایرانی توسط گروهی از دانشمندان لهستانی که در زمان جنگ به ایران پناهنده شدند، انتشار آثاری در مورد ابن سینا به مناسبت هزاره وی در سال ۱۹۵۶ م، چاپ مجله خاورشناسی از سال ۱۹۴۸ م هر سه ماه یک بار که تحقیقات جالبی را در مورد ایران دارد، برگزاری نمایشگاه هنرهای ایران در ورشو (۱۹۵۶ م)، جشن هزاره ابن سینا در ورشو و کراکوو (۱۹۵۶ م)، جشن هفتصدمین سال تألیف گلستان سعدی در دانشگاه ورشو و کراکوو (۱۹۵۸ م)، جلسه‌ی یادبود میرزاده عشقی در انجمن خاورشناسی

کراکوو (۱۹۵۸ م) و پخش برنامه ادبی شب حافظ از تلویزیون لهستان در ۱۹۶۳ م از جمله این فعالیت‌هاست.<sup>۴۵</sup>

هم اکنون نیز در لهستان علاقه به شرق‌شناسی به خصوص به فرهنگ و زبان و تمدن ایران وجود دارد و از روی فهرست کتاب‌هایی که از فارسی ترجمه شده و یا در مورد ایران نوشته شده است، می‌توان به این مهم پی برد، عناوینی چون شام سرد و آتش (داستان‌های معاصر ایران)، اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه، اسطوره کیهانی ایرانی، ایران، دولت و دین، زبان فارسی و ...<sup>۴۶</sup>

هدف از طرح این مطالب، تأکید بر روی این موضوع بود که ارتباط ایران و لهستان فقط منحصر به مسائلی که طی جنگ جهانی دوم پیش آمده نبوده و دارای ریشه‌های فرهنگی عمیق و محکم بوده است.

#### یادداشت‌ها

۱. شجاع‌الدین شفا، جهان‌شناسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۳.
۲. سفارت جمهوری لهستان در ایران، اصول تجارت در لهستان، تهران، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱.
۳. جولانتا، سیراکاسکا، «مناسبات ایران و لهستان در دوران صفوی»، ترجمه خسرو مشهوری مقدم، تاریخ روابط خارجی، سال ۵، شماره ۲۰، ۱۳۸۳، ص ۵۶.
۴. نصرالله بیات، ص ۱۵۱.
۵. خانبابایی، «روابط سیاسی و دیپلماسی ایران و پولونوی در زمان صفویه»، بررسی‌های تاریخی، سال ۹، شماره ۳، (شماره مسلسل ۵۲)، مرداد و شهریور ۱۳۵۳، ص ۴۴.
۶. دایره مطبوعات سفارت لهستان، ص ۹۷.
۷. شجاع‌الدین شفا، ص ۲۹۳.
۸. دایره مطبوعات سفارت لهستان، ص ۹۷.
۹. خانبابا بیانی، ص ۱۹.

۱۰. محمد حبیب الهی، «روابط ایران و لهستان در طی قرون»، وحید، شماره ۲۶۳-۲۶۲، ۱۳۵۸، ص ۵۹.
۱۱. محمد حبیب الهی، ص ۶۵.
۱۲. دایره مطبوعات سفارت لهستان، ص ۷۸-۸۰.
۱۳. بنفشه حجازی، تاریخ هیچکس، تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵.
۱۴. محمد حبیب الهی، ص ۶۰.
۱۵. ولانتا سیراکاسکا، ص ۵۵.
۱۶. محمد حبیب الهی، ص ۶۵.
۱۷. سلیم هزبیه ویج، «اسلام در لهستان»، ترجمه زهره کسای، فصل‌نامه پل فیروزه، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۳، ص ۶۳-۶۲.
۱۸. جولانتا سیراکاسکا، ص ۶۳.
۱۹. علیرضا دولتشاهی، «آن شاهد ژوزنیت»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۲۳.
۲۰. محمد حبیب الهی، ص ۶۷.
۲۱. جولانتا سیراکاسکا، ص ۶۴؛ همچنین سایت سفارت لهستان: [www.embpoltehran.com](http://www.embpoltehran.com).
۲۲. شجاع‌الدین شفا، ص ۲۹۴.
۲۳. باربارا انگلیش، جنگ ایران و انگلیس: جدایی هرات، ترجمه منصوره اتحادیه و سعاد پیرا، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۲، ص ۲۲.
۲۴. انجمن مطالعات ایرانی، ص ۴۷.
۲۵. منصوره اتحادیه و سعید میرمحمد صادقی، ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵، ص ۸۱-۸۲.
۲۶. منصور ثروت، خوجکو، نامه انجمن، سال ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۶۸-۱۴۴.
۲۷. سند اول: سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۹۶/۱/۱۳۷.

۲۸. مهاجرین لهستانی مقیم ایران که اندک مطالعه‌ای در مورد ایران داشتند به این نکته اشاره می‌کنند.

۲۹. سند دوم: سازمان اسناد ملی ایران، ش سند. ۲۹۶۰۱۲۴۵۱.

۳۰. سند سوم: سازمان اسناد ملی ایران، ش سند. ۲۹۷۰۳۳۶۰۲.

۳۱. سند چهارم: سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۹۷/۱۲۸/۱۰۲.

۳۲. سند پنجم: سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۹۷/۱۲۸/۱۰۲.

۳۳. سند ششم: سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۹۷/۱۲۷/۲۷.

۳۴. سند هفتم: سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۳۱۰/۲/۴۱.

۳۵. مصاحبه با خانم هلن استلماخ، تیرماه ۱۳۸۵.

۳۶. مصاحبه با خانم میترا افخمی، مادر ایشان خانم یانینا کاگانوسکا از مهاجرین لهستانی جنگ جهانی دوم بودند.

۳۷. خسرو سینیایی، «یک پرونده، یک داستان مرثیه گمشده»، فصل‌نامه پل فیروزه، شماره ۱۳، پائیز ۱۳۸۳، ص ۱۷۵.

۳۸. اداره دوم سیاسی، روابط دولت شاهنشاهی ایران با دول حوزه مسئولیت اداره دوم سیاسی، تهران، انتشارات وزارت خارجه، ۲۵۳۵، ص ۳۰-۲۷.

۳۹. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، پیکان، ۱۳۷۷، ص ۵۵۱.

۴۰. سفارت جمهوری لهستان در ایران، ص ۱.

۴۱. دایره مطبوعات سفارت لهستان، ص ۹.

۴۲. سفارت جمهوری لهستان در ایران، ص ۱.

۴۳. شجاع‌الدین شفا، ص ۳۰۹-۲۹۳.

۴۴. علی‌رضا دولت‌شاهی، «نخستین ترجمه اشعار میتسکیه ویچ به فارسی»، فصل‌نامه پل فیروزه، سال ۴، ش ۱۳، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰-۱۸۸.

۴۵. شجاع‌الدین شفا، ص ۳۰۹-۲۹۳.

۴۶. مارک اسموژنسکی، «معرفی کتاب»، فصل‌نامه پل فیروزه، سال ۴، ش ۱۳، ۱۳۸۳، ص  
۲۰۷-۲۱۴.



بررسی‌های نوین تاریخی / شماره چهارم و پنجم / ۱۵۹